

تأملی بر کتاب *انواع نثر فارسی نوشته منصور رستگار فسایی*

روح اله زارعی

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه یاسوج

در گذشته نه‌چندان دور کتبی درباره نثر فارسی نگاشته شده که فن نثر در ادب پارسی (۱۳۹۰) از حسین خطیبی با دارا بودن همه کاستی‌های ویژه آثار پیشرو، یکی از معروف‌ترین آنهاست. اما وجود کتابی برای رفع نیازهای اولیه دانشجویان در مقطع کارشناسی، انگیزه نگارش کتاب *انواع نثر فارسی* به‌دست منصور رستگار فسایی در انتشارات سمت را فراهم کرد که در آن تلاش شده است کمبودهای کتاب فن نثر مانند انواع نوین نثر برطرف شود. *انواع نثر فارسی* (۱۳۸۰ - ۱۳۹۵) که در یک بازه پانزده‌ساله به‌چاپ ششم رسیده، کتابی است با حجم زیاد که نویسنده در آن تلاش می‌کند به همه زوایای نثر فارسی بپردازد. در ادامه به‌تفصیل درباره تمام موارد جزئی و کلی در کتاب مذکور سخن می‌گوییم.

۱. انتشارات سمت بر نشر و توسعه کتب درسی متمرکز است. کتاب درسی تعریف خاصی دارد که به‌زعم نگارنده مقاله حاضر، *انواع نثر فارسی* منطبق بر آن نیست. کتاب درسی بر طبق تعریف، برای مؤسسات آموزشی همچون مدارس و دانشگاه‌ها تألیف می‌شود. در دانشگاه‌ها، این امر بیشتر برای دانشجویان در دوره کارشناسی صورت می‌گیرد؛ چون فرض بر این است که در تحصیلات تکمیلی، ایشان خود قادر به جست‌وجو، یافتن و مطالعه کتب مورد نیاز هستند. بنابراین کتب درسی نه‌فقط از نظر محتوا و اندازه، بلکه به‌لحاظ شیوه ارائه نیز از چارچوب معینی پیروی می‌کنند. قاعده کلی این است که مطالب کتب درسی در عین جامع بودن، خلاصه نیز بیان شوند تا

دانشجوی تازه‌وارد از کثرت مطالب مضطرب نشود. بخش‌های مختلف هر کتاب درسی نوعی از این قرار است: فهرست مطالب، خلاصه و اهداف فصول، تمرین و خودآزمایی در پایان هر فصل، منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر در باب آن فصل یا در پایان کتاب که این بخش جدای از کتاب‌نامه استفاده شده در پایان کتاب است. در پایان هم نمایه موضوعی می‌آید.

انواع نثر فارسی فاقد خلاصه، اهداف فصول و همچنین تمرین پایان فصل است که با توجه به حجم بسیار مطالب، این امر به بی‌برنامگی استاد و سردرگمی دانشجو منجر می‌شود. با توجه به فرصت محدود تدریس دروس نثر در دوره کارشناسی و حجم زیاد مطالب این کتاب، مدرسان ناچار به تدریس گزینشی مطالب خواهند بود که خود، باعث هدر رفتن وقت و نیرو در تهیه کتاب نام‌برده خواهد بود.

کتاب *مفصل انواع نثر فارسی* نمایه ندارد. چنانچه فرض بر این باشد که این اثر برای همه دوره‌های تحصیلی نوشته شده است، باز هم به دلیل نداشتن نمایه ضعیف تلقی می‌شود. با مقایسه هر کتاب جدی دیگر مانند *فن نثر در ادب پارسی* خطیبی مشخص می‌شود که بنا بر همین شاخص به ظاهر ساده، اثر خودبه‌خود از نظر منبع پژوهشی از گردونه خارج می‌شود؛ به عبارت دیگر، کتاب بی‌نمایه پژوهنده را به منابع پژوهشی دیگری ارجاع می‌دهد و خود مبلّغ آثار دیگر می‌شود.

۲. در فصل اول بخش ۲ - ۱ (مفهوم ادبی نثر) از زرین‌کوب نقل شده است:

آنچه که در زبان اهل ادب «نثر» خوانده می‌شود، سخنی است که در قید وزن و آهنگ قراردادی معمول در شعر، محدود نیست؛ اما محاوره عادی هم تا وقتی متضمن یک تعبیر ادبی (literary expression) نباشد، نثری که در مقابل شعر باشد، نیست. «تعبیر ادبی» امری است که بین شعر و نثر مشترک است و آن هر دو را از زبان محاوره ممتاز می‌کند و سخن را خواه موزون باشد و خواه نباشد، از محدوده ادراکات و تعبیرات عادی بیرون می‌آورد (صص ۱۴ - ۱۵).

مشکلی که از مرحوم زرین‌کوب شروع شد و نویسنده *انواع نثر فارسی* آن را با طیب خاطر بازگویی می‌کند، معادل انگلیسی برای تعبیر ادبی است. در کتاب *از گذشته ادبی ایران* (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۲۷) و همچنین در *انواع نثر فارسی* تعبیر ادبی برابر با

literary expression آمده است که ترجمه صحیح آن «بیان ادبی» است. تعاریف کتاب بیشتر به بیان ادبی نزدیک‌تر است. بیان ادبی در مقوله سبک‌شناسی می‌گنجد و به زبان ساده، استفاده زبان به‌عنوان ابزاری برای بیان ادبی است. توضیحات جامع در این باب در کتاب *A Linguistic Guide to English Poetry* یافت می‌شود. *literary interpretation* به معنای تعبیر ادبی است و تعریف خاص خود را دارد. برای نمونه عنوان کتاب زیگموند فروید *Interpretation of Dreams* است که در فارسی به درستی «تعبیر خواب» ترجمه شده است. بحث در باب تعبیر ادبی در مقوله علم تأویل و تفسیر است که در انگلیسی با عنوان *interpretation and hermeneutics* از آن یاد می‌شود. به زبان ساده، علم تعبیر در حوزه ادبیات می‌کوشد اثر ادبی را از طریق تحلیل، توضیح و معنا کردن تعبیر کند. معمولاً تکیه تعبیر بر متون گنگ، دوپهلوی و مجازی است. برای توضیح بیشتر می‌توان به مقاله ایان مک‌کلین با عنوان "Reading and Interpretation" (قرائت و تعبیر) در کتاب *Modern Literary Theory* مراجعه کرد. بنابراین همه بحث این بخش از کتاب *انواع نثر فارسی* به همین دلیل مغشوش است و به بازنگری نیاز دارد. این احتمال نیز می‌رود که مراد از تعبیر ادبی همان عبارت پردازی ادبی باشد که در این صورت باید گفت چنین اصطلاحی اکنون رایج نیست و موجب بروز اشتباه می‌شود.

۳. تعاریف نثر در فصل اول کتاب دارای همپوشانی است. تعاریف فراوانی از نثر بیان شده؛ ولی دلیلی ندارد همه آن‌ها ذکر شود. این تعاریف با نقل قول از دهخدا شروع می‌شود و با سیما داد، همایی، خطیبی، صفا، ملک‌الشعرای بهار، فروزانفر، نوری علاء، ضیف شوقی، ناتل خانلری، میرصادقی، شاملو، ابن‌خلدون و ارسطو ادامه پیدا می‌کند. با توجه به همپوشانی اغلب تعاریف و ماهیت درسی بودن کتاب، تعدد تعاریف کمک چندانی به یادگیری نمی‌کند. برای نمونه در تعریف نثر آمده است: «به سخن مکتوبی گفته می‌شود که بی‌پیرایه و بدون نظم و قافیه باشد» (ص ۱۰). در همان صفحه چند سطر پایین‌تر از همایی نقل می‌شود که نثر کلامی است ساده و مکتوب. از خطیبی نقل شده است: «کلامی است ساده و مکتوب که از همه قیود شعر یعنی وزن، قافیه و صنعت‌های لفظی و معنوی و جواهر شعری آزاد است» (همان جا). سپس به سخن بهار اشاره کرده:

«ملک‌الشعرای بهار نثر را عبارتی می‌داند که گوینده را در آن مقصد و مرادی جز بیان ساده و ادای قصدی خالی از احساسات و هیجانات درونی نبوده باشد» (ص ۱۱). وظیفه نویسنده نتیجه‌گیری از مجموعه تعاریف و بیان آن به زبان خود است که این امر یا غایب است یا مانند موارد دیگر در لابه‌لای انبوه نقل‌قول‌های دیگران گم می‌شود. گاهی یک تعریف از شخصی خاص بیش از یک بار ذکر می‌شود؛ مثلاً نقل‌قولی از زرین‌کوب در باب تعبیر ادبی در صفحات ۱۴ و ۱۵ آمده که در صفحه ۱۷ نیز دوباره عیناً تکرار شده است.

۴. در روش تحقیق، فقط دو نوع ارجاع وجود دارد: مستقیم که در گیومه می‌آید و نباید بیش از چند بند باشد و غیرمستقیم که باید حدود و ثغور مطلب نقل‌قول‌شده و سخن گوینده در آن کاملاً واضح باشد. اگر نویسنده‌ای بیش از چند صفحه متوالی مطالب کتب دیگر را در کتاب خود بیاورد، حتی اگر منبع آن را در پاورقی آورده باشد، در بهترین حالت تکرار بیهوده قلمداد می‌شود و حرف و عقاید نویسنده فعلی در لابه‌لای نقل‌قول‌ها گم می‌شود. با توجه به ماهیت کتاب نثر، فقط نقل مستقیم از منابع اصلی مثلاً از کلیله و دمنه به‌عنوان نمونه‌های نثر، آن‌هم به‌شکل برش نه به‌صورت کامل پذیرفتنی است. در ابتدای کتاب از صفحه ۱۲ - ۱۴ تعریف نثر به‌شکل نقل‌قول غیرمستقیم از نوری علاء آمده؛ اما حجم مطلب و شیوه ارجاع به‌گونه‌ای است که خواننده در پایان فراموش می‌کند که مطلب از کیست. در نمونه‌ای دیگر در فصل هفتم (صص ۶۰۷ - ۶۱۲)، شش صفحه از سخن‌رانی کامل ناتل خانلری ذکر شده است که این در هر روش ارجاع و تألیف پذیرفتنی نیست. در سراسر کتاب نقل‌قول چندصفحه‌ای در پی نقل‌قول چند صفحه‌ای دیگر ذکر می‌شود که این کار یادآور پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های دانشجویی است؛ مثلاً در بخش ۱۵ - ۱ (نثر فارسی و معارضه فارسی عربی) سه ارجاع پی‌درپی از تاریخ زبان فارسی ذکر می‌شود و به‌دنبال آن از تاریخ سیستان، السواد الاعظم، ترجمه تفسیر طبری، صورة الارض، تاریخ بیهقی و تاریخ زبان فارسی مطالبی نقل می‌شود و بخش به‌پایان می‌رسد (صص ۴۹ - ۵۱). لازم است ذکر عینی مطالب از منابع ثانوی حذف شود تا حجم کتاب بسیار تقلیل یابد. در مقایسه، فن نثر در ادب پارسی خطیبی از لحاظ شیوه ارجاع و پاورقی‌ها بسیار سنجیده و فاضلانه

نوشته شده است و می‌طلبد که آن کتاب به دلیل ماهیت مشترک در ذکر و شیوه ارجاعات، معیار قرار گیرد. خطیبی در سه صفحه (۲۷ - ۲۹) نثر را بدون ارجاع به منبعی تعریف می‌کند و در باب فرق نظم و نثر، به ذکر تعاریف معدود نثر از صاحب‌نظران قدیم بسنده می‌کند که این تعاریف یا در حد ارجاع هستند یا در یکی دو جمله خلاصه می‌شوند (ر.ک: صص ۳۲ به بعد). کل بحث ایشان در بیست صفحه (۳۱ - ۵۰) بیان می‌شود؛ حال آنکه در کتاب *انواع نثر فارسی* هشتاد صفحه به تعاریف نثر و فرق آن با نظم اختصاص داده شده است.

۵. در راستای مطلب ذکر شده در شماره قبل، کتابی که به نام یک نویسنده چاپ می‌شود، از دو حالت خارج نیست: یا مطالب کلاً متعلق به نویسنده است یا وی مجموعه‌ای از مقالات را در یک مجلد گرد آورده است. بنابراین بخش ۱۷ - ۱ - (دساتیر) (صص ۵۶۶ - ۵۷۲) که نویسنده در پاورقی اشاره کرده که توسط شخص دیگری و به خواهش نویسنده نگاشته شده است، یا باید از اثر حذف شود یا نام مؤلف، محمدرضا امینی، در کنار نام نویسنده ذکر شود. این شیوه نگارش بدعتی است که در کتاب‌نویسی رایج نیست.

۶. هر گونه ارجاع به فرهنگ لغت و دایرةالمعارف در آثار مهم، ضعف تلقی می‌شود و پذیرفتنی نیست و اصطلاحاً کاری دانشجویی نامیده می‌شود؛ بنابراین ارجاعات فراوان به فرهنگ اصطلاحات ادبی اثر سیما داد یا باید حذف یا به منابعی معتبرتر ارجاع داده شود. عمده منابع خانم سیما داد در باب نثر غربی نیز از *دایرةالمعارف بریتانیکا* است؛ ولی بنا بر ماهیت کار وی که فرهنگ‌نویسی است، خرده گرفتن بر ایشان صحیح نیست.

۷. عنوان فصل دوم «نثر فارسی و گونه‌های آن» است و در زیرمجموعه انواع نثر فارسی، نثر عربی و انگلیسی ذکر شده است. ارتباط نثر عربی با نثر فارسی قابل درک است؛ ولی هیچ گونه ارتباطی بین نثر انگلیسی، آن‌هم در دوره رنسانس و نثر فارسی وجود ندارد و کل بحث نابه‌جاست و پذیرش نثر انگلیسی به‌عنوان گونه‌ای از نثر فارسی در نوع خود عجیب است. در همان فصل بخش ۲ - ۲ (صص ۱۱۳)، از نثرنویسان

انگلیسی دورهٔ رنسانس نام برده شده؛ از جمله سر تاموس مور که شاعر ایرلندی خوانده شده است؛ حال آنکه تاموس مور شاعر و ترانه‌سرای ایرلندی در قرن نوزدهم می‌زیسته است. همان‌جا نام تاموس الیوت مشاهده می‌شود که در پراگ شاعر و نمایش‌نامه‌نویس امریکایی در قرن بیستم معرفی شده است. این افراد از نمونه‌های نثرنویس رنسانس انگلیسی یعنی قرون پانزدهم و شانزدهم نام برده شده است؛ حال آنکه کشور امریکا در رنسانس وجود خارجی نداشته است. این بخش در نظر خارجیان مانند این است که در کتابی گفته شود «حافظ نمایش‌نامه‌نویس چینی قرن بیستمی است» و همان کتاب سال‌ها در دانشگاه‌های کشوری تدریس شود. در فرهنگ اصطلاحات ادبی، سیما داد از شاعر ایرلندی یا امریکایی نام نبرده است. مشکل کتاب انواع نثر فارسی از اینجا شروع می‌شود که مطالب کتاب سیما داد را عیناً تکرار کرده؛ ولی نویسنده از خود، عنوان «شاعر ایرلندی» را به نام سیر توماس مور و «شاعر و نمایش‌نامه‌نویس و منتقد امریکایی (۱۸۸۸ - ۱۹۶۵)» را به نام توماس الیوت افزوده است. سیر توماس مور^۱ (۱۴۷۸ - ۱۵۳۵م) اومانیسیت، سیاست‌مدار و نویسندهٔ انگلیسی بود و در سال ۱۹۳۵م قدیس خوانده شد؛ حال آنکه شاعر ایرلندی توماس مور^۲ (۱۷۷۹ - ۱۸۵۲م) است که بیشتر به سبب ترانه‌های «پسر مطرب» و «آخرین گل تابستان» معروف است. رمان لاله‌رخ نیز از آثار او است. او دارای لقب «سیر» (شوالیه) نیست و نام وی چنان‌که در بالا مشاهده می‌شود، متفاوت با نام سیر توماس مور نوشته می‌شود. به همین شیوه، سیر توماس الیوت^۳ (۱۴۹۰ - ۱۵۴۶م) ادیب و سیاست‌مدار قرن شانزدهم است که نویسنده او را با تی. اس. الیوت (۱۸۸۸ - ۱۹۵۶م) شاعر، منتقد و نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی (امریکایی‌الصل) و برندهٔ جایزهٔ نوبل در سال ۱۹۴۸م که نام کامل وی Thomas Stearns Eliot است، اشتباه گرفته است. از تی. اس. الیوت آثاری به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. مشکل لقب اشتباهی Sir نیز در این مورد دیده می‌شود.

۸. در همان بخش ۲ - ۲ (ص ۱۱۳)، نثر تاریخی، نثر تعلیمی و نثر داستانی انواع نثر انگلیسی نام برده شده؛ حال آنکه این دسته‌بندی از اساس غلط است. در ادبیات انگلیسی، رمان تاریخی یا تعلیمی وجود دارد؛ ولی در زمینهٔ نثر بر طبق کتب معتبر

مانند *Writing Prose: Techniques and Purposes* (انتشارات دانشگاه آکسفورد) انواع نثر روایی، توصیفی، تعریفی و توضیحی وجود دارد که از قضا در سرفصل دروس دوره کارشناسی رشته ادبیات انگلیسی که وزارت علوم تدوین کرده است، این انواع جزو ملزومات تدریس نثر انگلیسی هستند. نثر روایی همان گونه که از نامش پیداست، نثری است مبتنی بر عنصر زمان و توالی رخدادها که بالطبع بیان تاریخ در این دسته می‌گنجد؛ هرچند بر آن نثر نام تاریخی نمی‌نهند. در تعریف نثر تعلیمی آمده است: «شامل معارف انسانی از قبیل فلسفه، علوم، نقد و غیره می‌شود» (ص ۱۱۴). در انگلیسی نثر تعلیمی چون شیوه خاصی از نثر را دنبال نمی‌کند، وجود ندارد. آنچه از آن‌ها به ادبیات یا رمان تعلیمی نام برده می‌شود، در واقع مربوط به محتوای موضوع است و شکل بیان هیچ نقشی در این کار ندارد. بنابراین شیوه نثری که در علوم به کار می‌رود، بسیار متفاوت با نوعی است که در فلسفه به کار گرفته می‌شود. ادبیات داستانی انگلیسی از اساس نثر است و افزودن واژه نثر به آن هیچ نکته‌ای را روشن نمی‌کند. ریشه همه این مشکلات از کتاب سیما داد است که از آن بی‌تأمل در کتاب *انواع نثر فارسی* استفاده شده است و مشکل فرهنگ اصطلاحات ادبی سیما داد در این باب، در اصل از منابع فرهنگ‌نامه‌ای وی شروع می‌شود که در بحث جدی ادبی، اعتبار چندانی ندارد.

۹. در فصل دوم بخش سوم معادل «نکته» epigram نوشته شده و طبق تعریف کتاب، «کلام کوتاه و پرمعنایی است که ظرافتی در بیان و مضمون بکری در فکر داشته باشد» (ص ۱۵۱) و سپس مثال‌هایی از سپهری آمده است؛ مانند «من قطاری دیدم که سیاست می‌برد (و چه خالی می‌رفت)». تا آنجایی که تعریف به epigram مربوط است، درست ولی ناقص است؛ چون واژه انگلیسی یک نوعی ادبی را شامل می‌شود که اشعار کامل نغز را نیز دربر می‌گیرد. به بیان دیگر، انواع رباعی فارسی را به دلیل نغز و کامل بودن می‌توان در این دسته گنجانند.

۱۰. عنوان فصل پنجم «نثر فارسی معاصر و انواع آن» است. مانند بحث در باب فصل دوم، همه بحث نقد ادبی در بخش ۱۳ - ۵ مربوط به نثر غیرفارسی است. همین مسئله در بخش «شرح» (صص ۳۲۸ - ۳۲۹) و طنز سیاه (ص ۳۳۱) تکرار می‌شود؛ زیرا چه در تعریف و چه در مثال‌ها، هیچ اشاره‌ای به ادبیات فارسی نمی‌شود. شاید با تغییر

عناوین فصول دوم و پنجم مشکل حل شود. علاوه بر تردید در صلاحیت داشتن موضوعات برای گنجاندن زیر عنوان نثر فارسی، مشکل اصلی دیگر این است که نویسنده در اولین بخش از فصل پنجم، واژه نقد و انواع آن را در دو صفحه (صص ۳۲۶-۳۲۷) معرفی می‌کند. کل بحث هرچند درست هم باشد، ربطی به موضوع کتاب که بررسی نثر است ندارد. نقد ادبی به چهارچوب و قالب و بررسی انواع ادبی می‌پردازد و گنجاندن آن در بحث انواع نثر فارسی دور شدن از موضوع است.

۱۱. در فصل پنجم برای بخش ۳۰-۵ عنوان نثر نمایشی^۴ در نظر گرفته و در حدود ده صفحه به بررسی انواع نمایش اعم از تراژدی، ملودرام کمدی، تعزیه، اخلاقی، شبانی، قهرمانی، مذهبی، تاریخی، گره‌دار، خواندنی و غیره پرداخته شده است. تمام نمایش‌نامه‌های نام‌برده، چه در یونان و چه در قرون وسطی، به شعر بودند و در مقوله نثر نمی‌گنجد و موضوع بالطبع خارج از بحث کتاب است. البته در آخر بحث تراژدی، نویسنده اشاره کرده است که در قرن هجدهم زبان نمایش از شعر به نثر تغییر یافت (ص ۳۸۵). بنا بر همین استدلال، موارد فراوان نام‌برده از نمایش‌نامه‌های منظوم باید از بحث نثر حذف شود. در صورت ورود مقوله شعر غربی به بحث، این سؤال پیش می‌آید چرا برای مثال شاهنامه فردوسی در شمار نمونه‌های نثر قرار نگرفته است.

۱۲. در فصل پنجم بخش «شرح» (صص ۳۲۸-۳۲۹) نویسنده از واژه‌نامه هنر/داستان‌نویسی نوشته میرصادقی کمک گرفته است. دو تعریف بیان شده که اولی به معنای توضیح دادن است. این قسمت باید زیر عنوان انواع نثر انگلیسی می‌آمد. در ادامه موضوع آمده است: «در بلاغت جدید 'شرح' را یکی از انواع چهارگانه بیان می‌دانند» (ص ۳۲۸). نکته جالب توجه اینجاست که میرصادقی به درستی به یکی از چهار نوع اصلی نثر انگلیسی اشاره کرده است که پیش‌تر در این باب سخن گفته شد. در تعریف دوم که نویسنده انواع نثر فارسی باز هم از میرصادقی نقل قول می‌کند، وارد مقوله‌ای می‌شود که بسیار ناقص به آن می‌پردازد. بخش‌های اصلی نمایش که بعدها به شکلی کم‌وبیش یکسان وارد ادبیات داستانی نیز می‌شوند، از این قرارند: شرح یا به زبان دقیق‌تر زمینه‌چینی^۵، گره‌افکنی^۶، اوج داستان^۷ و گره‌گشایی^۸. نویسنده انواع نثر فارسی فقط قسمتی از بخش‌های مختلف نمایش را برگزیده است و چنین به ذهن

متبادر می‌شود که قسمت‌های دیگر ربطی به نثر ندارند. بنابراین در این بخش از کتاب تعریف نخست را باید زیر عنوان انواع نثر انگلیسی قرار داد و تعریف دوم را باید حذف کرد؛ چون از اجزای نمایش است و نوع خاصی از نثر محسوب نمی‌شود. در زمینه‌چینی، بیشتر از نثر روایی استفاده می‌شود که بحث در این باب مفصل است و در این مقوله نمی‌گنجد.

۱۳. در فصل پنجم (ص ۳۱۶) از مونتینی به‌عنوان مبدع مقاله نام برده شده است:

مقاله با ویژگی‌های امروزی آن برای نخستین بار، در اواخر قرن شانزدهم در ادبیات انگلیس پیدا شد، در آن روزگار نویسنده‌ای به‌نام مونتینی (Montaigne) دفتری از نوشته‌هایش را تحت عنوان مقالات انتشار داد که باعث رواج چنین شکل و قالبی در ادبیات انگلیس گردید.

شیوه طرح مسئله این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که میشل دو مونتین^۹ انگلیسی است؛ در حالی که وی فرانسوی است. کتاب اصلی وی مقالات (به فرانسوی: *Les Essais*) نام دارد که عنوان آن را از ریشه فعل فرانسوی *essayer* به‌معنای آزمودن گرفته است. وی یکی از اثرگذارترین نویسندگان و فیلسوفان دوره رنسانس است. در سال ۱۶۰۳م جان فلوریو^{۱۰} برای اولین بار مقالات وی را در سه مجلد به انگلیسی ترجمه کرد. نویسنده انواع نثر فارسی سپس چند نقل قول مستقیم از وی را بدون ارجاع می‌آورد.

۱۴. در فصل پنجم در دو صفحه (صص ۳۲۹ - ۳۳۰) در باب طنز و معادل فارسی *satire* با ذکر ریشه کلمه به تفصیل سخن گفته شده است؛ ولی در پایان فصل ششم (صص ۴۶۸ - ۴۷۲) دوباره بحث طنز با ذکر ریشه واژه و غیره مطرح می‌شود. این تکرار کاملاً دارای همپوشانی است و نیاز به بازنگری در آن بخش احساس می‌شود.

۱۵. در فصل هفتم و پایانی کتاب با عنوان «ادوار نثر فارسی» که حدود دویست صفحه را دربر می‌گیرد، فهرستی از آثار نویسندگان ذکر شده است. آن اطلاعات که یک سوم حجم کتاب را به خود اختصاص داده، در همه جا قابل دستیابی است و از این حیث فقط به حجم کتاب افزوده و کمک چشمگیری به افزایش دانش خواننده نمی‌کند. اگر مسائل به شکل تحلیلی بیان شده بود، این بخش‌ها پذیرفتنی بود. با توجه

به نبود نمایه در پایان کتاب، خواننده مشتاق برای جست‌وجوی نویسنده یا اثری خاص باید دو‌یست صفحه را تورق کند تا به آن دسترسی یابد و این نکته نیز دلیل دیگری است که این فصل بی‌فایده رها خواهد شد.

نتیجه

در کتاب *انواع نثر فارسی* ابعاد مختلف نثر فارسی بحث شده که وسعت کار مؤلف آن را نشان می‌دهد. با این همه، کژی و کاستی‌هایی که در این جستار بدان‌ها اشاره شد، کار نویسنده را خدشه‌دار می‌کند و لازم است در ویراست بعدی کتاب این ایرادها برطرف شود تا همگان به‌ویژه دانشجویان از آن بهره‌کافی ببرند. از آنجا که شانزده سال از اولین چاپ کتاب می‌گذرد و هم اکنون به چاپ ششم رسیده است و همچنان ایرادها و اشکالات آن بر جای است، گمان می‌رود که اثر به‌طور دقیق خوانده نمی‌شود یا خواننده جدی منبع پژوهشی خود را از جای دیگر تهیه می‌کند که هر دو حالت موجب هدررفت سرمایه و وقت در تهیه این کتاب است. با توجه به ایرادهای وارد شده ضروری است که بازنگری کلی در باب نثر غربی صورت بگیرد. گفتنی است که حتی در صورت حذف همه مطالب مربوط، خدشه‌ای به کتاب *انواع نثر فارسی* وارد نمی‌شود. اصلاح نظام آشفته ارجاع‌دهی و همچنین تلخیص فصل اول و سامان‌دهی فصل آخر (ادوار شعر فارسی) از دیگر اصلاحات پیشنهادی کتاب است.

پی‌نوشت‌ها

1. Sir Thomas More
2. Thomas Moore
3. Sir Thomas Elyot
4. drama
5. exposition
6. complication
7. climax
8. dénouement
9. Michel de Montaigne
10. John Florio

منابع

- خطیبی، حسین (۱۳۹۰). فن نثر در ادب پارسی: تاریخ تطور و مختصات و نقد نثر پارسی از آغاز تا پایان قرن هفتم. چ ۴. تهران: زوار.
- داد، سیما (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات ادبی: واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی. چ ۳. تهران: مروارید.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۹۵). انواع نثر فارسی. چ ۶. تهران: سمت.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵). از گذشته ادبی ایران: مروری بر نثر فارسی: سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر. چ ۳. تهران: سخن.
- میرصادقی، جمال و میمنت ذوالقدری (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. تهران: کتاب مهناز.
- Dād, S. (1999). *Farhange Estelāhāte Adabi: Vādhenāme-ye Mafāhim va Estelāhāt-e Adabi-e Fārsi va Orupā'i*. Vol. 3. Tehran: Morvārid. [in Persian]
- Jefferson, A. & D. Robey (eds.) (1986). *Modern Literary Theory*. London: Batsford.
- Kane, Thomas S. & Leonard J. Peters (1964). *Writing Prose: Technique and Purposes*. New York: Oxford University Press.
- Khatibi, H. (2011). *Fann-e Nasr dar Adab-e Pārsi: Tārikh-e Tavor va Mokhtasāt va Naghd-e Nasr-e Pārsi az Āghāz tā Pāyān-e Qarn-e Haftom*. 4 Ed. Tehran: Zavār Publishers. [in Persian]
- Leech, Geoffrey N. (1969). *A Linguistic Guide to English Poetry*. London: Routledge.
- Mirsādeqi, J. & M. Zolqadri (1998). *Vādhe Nāme-ye Honar-e Dāstān-nevisi*. Tehran: Ketāb-e Mahnāz Publishers. [in Persian]
- Rastegār Fasā'i, M. (2016). *Anvā'-e Nasr-e Fārsi*. 6th Ed. Tehran: Samt Publishers. [in Persian]
- Zarrinkub, A. (2006). *Az Gozashte-ye Adabi-ye Irān: Moruri bar Nasr-e Fārsi: Seyri dar She'r-e Fārsi bā Nazari bar Adabiyāt-e Mo'āser*. 4th Ed. Tehran: Sokhan Publishers. [in Persian]